

اقوام ایرانی و شاخص های توسعه ی اقتصادی و اجتماعی

احسان هوشمند- ناهید کوه شکاف

منتشر شده در ماهنامه صنعت و توسعه سال سوم شماره بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۸۸ صفحه ۷۳

آشفتگی نظری در باره قومیت

واژه ی قومیت (Ethnicity) تا اوایل قرن بیستم کمتر مورد استفاده ی دانشمندان علوم اجتماعی قرار می گرفت. «رویکرد محققان رشته های انسان شناسی و جامعه شناسی به این واژه ها، به دنبال گسترش میالعات مرتبط با به گروه های اقلیت های نژادی، مذهبی، زبانی و ملیت های گوناگون مهاجر به ایالات متحده آمریکا صورت پذیرفت. اطلاق گروه قومی به این اقلیت های ملی و نژادی به ویژه به دوران محبوبیت نظریه ی «کوره ی مذاب» (Melting pot theory) بر می گردد که بر اساس آن؛ جامعه و فرهنگ آمریکایی به کوره ی مذابی تشبیه می شد که همه ی این گروه های قومی را (که از مناطق گوناگون جهان به آمریکا مهاجرت کرده بودند) در خود حل می کرد» (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۱).

با وجود وسعت یافتن مباحث تنوریک و راهبردی مرتبط با «قومیت»، «قوم گرایی» و «منازعات قومی»؛ این مفاهیم، مفاهیمی مبهم و اختلاف برانگیز است که درباره ی تعریف دقیق آنها توافقی وجود ندارد. همچنین باید به این نکته ی اساسی توجه نمود که اصولاً تعریف های معمول قومیت و گروه قومی با توجه به تجربه ی تاریخ ایالات متحده ی آمریکا ارائه شده است. ه مطالعات مجلات جامعه شناسی نشان می دهد که بیشتر از ۷۰ درصد از مقالات آنها، در میان گروه های قومی بر «جامعه سیاه» تمرکز داشته است. سایر گروه های مورد میالعه؛ یهودیان آمریکا (۴/۵٪)، و آمریکائیان بومی (۴/۵٪) و نیز ایرلندی ها و ایتالیایی ها بوده اند. بنابراین نویسندگانی که درباره ی روابط قومی در آمریکا میالعه می کنند، شناخت کمی از آن دارند (Flood, 1980: 96).

قومیت (Ethnicity) یا اقوام ایرانی

واژه ی «قوم» در فرهنگ ایرانی نشان از خویشاوندی، قرابت و نزدیکی دارد. در فرهنگ فارسی معین ذیل واژه ی «قوم» چنین آمده است:

۱- گروه مردم (از زن و مرد)؛

شمع هر جمع مشو، ورنه بسوزی ما را

یاد هر قوم مکن، تا نروی از یادم (حافظ)

۲- کسی که با شخص قرابت داشته باشد، خویشاوند، اقوام، خویش و خویشاوند و اقوام هم، چنین معنا شده است:

۱- گروه ها، مردمان؛ (این رسم معمول همه ی اقوام است)

۲- کسان، پیوستگان، خویشاوندان؛ (فلان اقوام بسیار دارد) (معین، ۱۳۷۱: ۲-۲۷۵۱).

تضاد و تفاوت تبار شناسانه ی این دو مفهوم در فرهنگ ایرانی و فرهنگ غربی، در سطح اجتماعی و زیست جمعی ایرانیان نیز قابل پیگیری است.

همانگونه که قبلاً به تفصیل گفته شد، در میالعات پژوهشگران غربی، مطالعات قومی متوجه مهاجران وارد شده به یک سرزمین و یا گروه های نژادی در برابر شهروندان بومی است (۱). (همچنین بنگرید به وندایک، ۱۳۸۲: ۳۶۹) ایتالیایی ها، سیاهان، چینی ها و اعراب از جمله اقوام مورد بررسی محققان غربی (امریکایی و اروپایی) است. مدت سکونت این مهاجران در جامعه ی جدید معمولاً از چند سال و حداکثر چند دهه فراتر نمی رود. در حالی که کلیه ی گروه های زبانی و مذهبی ساکن ایران، صدها سال است که همچون دیگر ایرانیان در این سرزمین به سر برده و نه تنها مهاجران تازه وارد نیستند، بلکه وارثان تاریخی ایران، همین ایرانیانی هستند که صدها سال در آن سکونت داشته اند. اگر مهاجران تازه وارد به کشورهای غربی سهمی در شکل گیری تمدن غربی نداشته و یا سهم اندکی در

استمرار آن داشته‌اند، در جامعه‌ی ایران، همه‌ی ایرانیان اعم از کرد، آذری، بلوچ و... سهم مهمی در تکوین و تحول فرهنگی جامعه‌ی ایرانی ایفا نموده‌اند. (هوشمند، ۱۳۸۱)

همچنین در حوزه‌ی تمدن ایرانی هیچ بخشی از این حوزه‌ی تمدنی و هیچ گروهی از ساکنان این حوزه‌ی تمدنی، در طول تاریخ با کشورگشایی به ایران اضافه نشده است. (قبلی) در حالی که در مورد بسیاری از کشورهایی که هم اکنون در گیر مسائل حاد قومی هستند، برخی اقوام همچون کردها (ترکیه) ایرلندی‌ها، (انگلیس) در پی فراز و نشیب‌های تاریخی به کشورهای ترکیه و انگلیس منضم شده و این گروه‌های زبانی و مذهبی جزئی از تاریخ و فرهنگ دیرین آن سرزمین‌ها به شمار نمی‌آیند. (قبلی) و در حوزه‌ی تمدن ایرانی، هیچ گروهی به دلیل ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی و زبانی و گویشی پست شمرده نشده و نمی‌شود.

در تاریخ این سرزمین، هیچگاه یکی از گروه‌های قومی؛ مانند کرد، آذری، بلوچ... به صورت یکدست و به شکل قومی بر ایران حکمرانی نکرده است. حاکمیت (علیرغم برخی از ویژگی‌های تاریخی قابل تأمل همچون نظام استبدادی شاهنشاهی...) همواره ترکیبی از همه‌ی ایرانیان (و یا دست کم نخبگان همه‌ی گروه‌های ایرانی) بوده است. گروهی به دلیل نژادی و یازبانی از حاکمیت طرد نشده‌اند. به همین دلایل هیچگاه در تاریخ؛ درگیری‌های خونین میان گروه‌های فرهنگی در ایران ثبت نشده است. لذا تا امروز در نقطه‌ای از کشور «جدایی‌گزینی فضایی» به دلایل قومی و نژادی و زبانی صورت نگرفته است. این شواهد و دیگر شواهد نشان می‌دهد که اعمال تبعیض علیه یک گروه (به دلایل فوق) در تاریخ ایران فاقد پیشینه است. این سوابق تاریخی موجب شده تا در ایران هیچ گروه قومی دارای تاریخ و گذشته‌ای متفاوت از دیگر ایرانیان نباشد. حتی روشن است که کمتر گروه قومی در درون خود به لحاظ فرهنگی و یا سیاسی و اجتماعی، انسجام و همبستگی متفاوت از انسجام و همبستگی با دیگر گروه‌های ایرانی داشته باشد. ازدواج‌ها و نزدیکی‌های نسبی و سببی، اتحادیه‌های فرا قومی و فرا ایلی و عشیره‌ای، فداکاری و جانفشانی در حفظ وطن، تقریباً ویژگی تمام ایرانیانی است که در این حوزه‌ی تمدنی مستقر بوده و هستند. (قبلی)

اشتراک اکثریت ایرانیان در دین اسلام، رسوم فرهنگی دیرین و مشترک بی‌شمار، تاریخ طولانی همزیستی، اشتراک در ساختن تمدن ایرانی و نیز اعتلای زبان فارسی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مشترکات ایرانیانی است که در هزاره‌های پایایی در کنار یکدیگر در این سرزمین به حیات خود ادامه داده‌اند.

«اگر نگاهی به لیست شعرا و نویسندگان این سرزمین بیفکنیم نام‌های زیادی فهرست می‌شود که با وجود تفاوت‌های جزئی در مذهب یا گویش و زبان، هر یک سهمی در خور در اعتلای فرهنگ ایران زمین داشته‌اند. مولانا جلال‌الدین بلخی، نظامی‌گنجوی، خاقانی شروانی، صائب تبریزی، حافظ شیرازی، مسعود سعد سلمان، عطار نیشابوری، منوچهری‌دامغانی، رودکی سمرقندی، فرخی سیستانی، قطران تبریزی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، فردوسی طوسی، ابن سینا، و در این اواخر شهریار و گلشن کردستانی و... از آن جمله‌اند.» (هوشمند و همکاران، ۱۳۸۱: ۶)

لذا اگر ادعا شود که فرهنگ ایرانی محصول مشترک همه ایرانیان و از جمله اقوام ایرانی است، سخنی به گزاف گفته نشده است و این امر نشانگر سهم تمام ایرانیان در تمدن سازی و فرهنگ آفرینی در حوزه‌ی فرهنگی-تمدنی ایران است.

تاریخ همزیستی طولانی این گروه‌ها در ایران و نیز سهم روشن همه ایرانیان در بر آمدن فرهنگ و تمدن ایرانی و نیز استمرار آن، موجب انسجام و همبستگی ملی میان اقوام ایرانی شده و مبنایی برای فهم پدیده‌ی «اقوام ایرانی» به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، اگر برخی گروه‌ها در گوشه و کنار کشور دارای برخی اختصاصات زبانی و یا مذهبی خاص خود هستند، اما این اختصاصات و تفاوت‌ها هیچگاه در مقابل ایرانییت قرار نگرفته و منجر به شکاف اجتماعی میان ایرانیان نشده است.

لذا اگر با منطق و روش‌شناسی محققان غربی به این گروه‌های دارای زبان و یا مذهب خاص در ایران بنگریم، نمی‌توان اصطلاح قوم را برای آنان به کار بست و فهم این تفاوت‌ها نیازمند نگرشی منطبق با شرایط ایران خواهد بود.

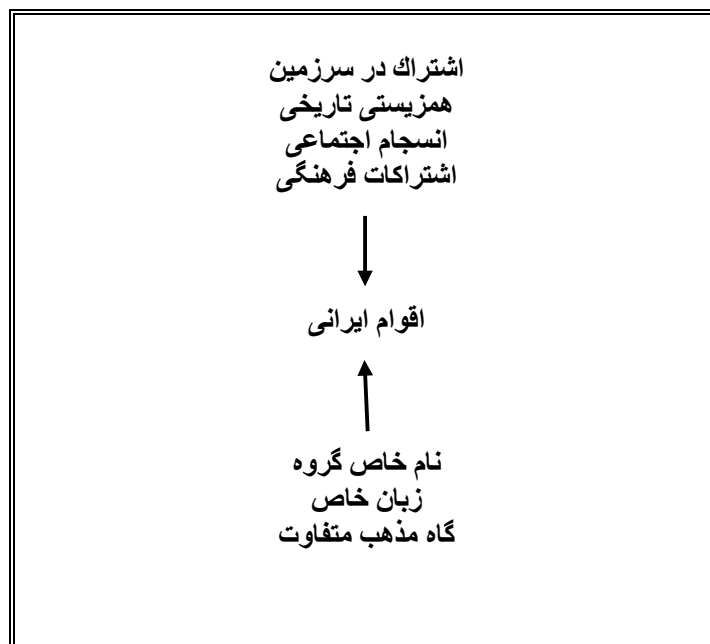
تلاش برای ارائه تعریفی نو از اقوام ایرانی

بنابر آنچه گفته شد؛ تصور گروه‌هایی متمایز از نظر تاریخی و اسطوره‌ای، شیوه‌های عمل و فرهنگ و نیز سرزمین، با آنچه در مورد اقوام ایرانی می‌دانیم چندان سازگار و منطبق نیست. اما از سوی دیگر تفاوت‌های زبانی میان اقوام ایرانی، و برخی تفاوت‌های مذهبی هم قابل انکار نیست. لذا برای عزیمت به سوی تعریفی جامع از اقوام ایرانی توجه به هر دو بعد مفهوم؛ یعنی از سویی اشتراک در همزیستی تاریخی، فرهنگ، اسطوره و سرزمین

با دیگر ایرانیان و از سوی دیگر برخی تفاوت‌های زبانی و مذهبی، ضروری است. براین اساس در این بررسی برای درک مفهوم اقوام ایرانی، تعریف زیر پیشنهاد می‌شود:

«منظور از اقوام ایرانی آن گروه‌هایی هستند که ضمن اشتراک در سرزمین و همزیستی غیر قابل تفکیک با دیگر ایرانیان، در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن ایرانی مستقر بوده و در ساختن این فرهنگ و تمدن با دیگر گروه‌ها اشتراک داشته، دارای زبان ویژه‌ی خود بوده، یا مذهبی متفاوت از اکثریت جامعه داشته، و خود را با «نام ویژه‌ای» می‌شناسند» (هوشمند، کوه شکاف، ۱۳۸۶: ۲۳۴)

فرهنگ و تمدن ایرانی



در این تعریف؛ کرد بودن، ترک بودن، بلوچ بودن و یا شیعه و سنی بودن در مقابل ایرانیت قرار نگرفته، بلکه جزیی از «ایرانییت» محسوب می‌شود و همچنین به طور ضمنی تأکید گردیده است که پذیرش «نام» خاص برای تعریف اقوام ایرانی ضروری است، هرچند این «نام خاص» به معنای همبستگی و انسجام درونی و کامل اقوام ایرانی ارزیابی نمی‌گردد و تفاوت‌های درون قومی، مثلاً رقابت طوایف بلوچ ویا ترکمن و یا تفاوت‌های زبانی و مذهبی میان کردها، خود می‌تواند مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. به سخن دیگر، ممکن است در نظر و ذهن، گروهی خود را با يك «نام» مورد شناسایی قرار دهند، اما این امر در عینیت ممکن است با چالش‌هایی روبه رو باشد.

با این تعریف تأکید می‌شود که به کارگیری واژه‌ی اقلیت ملی برای اقوام ایرانی واقع‌بینانه نیست و حتی منطبق با زیست اجتماعی ایرانیان نمی‌باشد:

«احساس اقلیت ملی بودن در میان اقوام ایرانی سابقه ندارد. زیرا این احساس به ویژه زمانی به وجود می‌آید که سرزمین ملّی گروهی به دست گروهی دیگر تصرف شود و گروه حاکم به علت روحیه‌ی سلطه جویانه، گروه شکست خورده را می‌رود بینگارد حال آنکه ایران سرزمین گروه‌های قومی از بدو تاریخ دست نخورده باقی مانده است. در اوستا از ایران ویچ ودر شاهنامه‌ی فردوسی از ایران و ایران شهر سخن می‌رود که مرکب از همه‌ی سرزمین‌هایی است که نه با زور و نه با سیاست از دست اقوام ایرانی خارج نشده است. کم سابقه بودن مهاجرت‌های دسته جمعی اقوام خارج از کشور پذیرا بودن هم نژادان آن سوی مرزهای سیاسی ایران به دفعات، پناه بردن اقوام ساکن حاشیه‌ی مرزهای کشور، به داخل فلات ایران به

هنگام بروز خطر (نمونه‌ی اخیر آن را در جنگ عراق با ایران دیدیم که اقوام ایرانی عرب زبان، به فارس‌ترین منطقه‌ی ایران؛ یعنی استان فارس، مهاجرت کردند) پناه دادن به دولت مهاجر هنگام بروز جنگ بین‌الملل درخاک کردستان و غیره، همه نشان عدم وجود احساس در اقلیت بودن است.» (خوبری‌پاک، ۱۳۷۷: ۲۲۲).

بر اساس تعریف مقدماتی و پیشنهادی اقوام ایرانی پرسش بعدی این گونه طرح می‌شود چه گروه‌های قومی در ایران مستقر هستند. بر مبنای شاخص زبان، و گاه زبان و مذهب می‌توان اقوام ساکن در ایران را اینگونه نام برد: آذری، تات، کرد، لک، لر، طالش، ارمنی، بختیاری، عرب، گیلک، خلیج، تاجیک، بلوچ، کلدانی ترکمن، مازنی، گرجی، افغانی، آشوری، افشار، بیات، قشقایی، اورامی.

لازم به ذکر است که هنوز هیچ دسته‌بندی علمی و پژوهشی جامعی از اقوام ایرانی مبتنی بر معیارهای زبان‌شناسی، قوم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی، انسان‌شناسی و یا جامعه‌شناسی جامعه صورت نگرفته است. کمالینکه هیچ داده معتبری که نشانگر چگونگی و میزان پراکندگی اقوام ایرانی در گستره ایران باشد در دست رس نمی‌باشد. حتی در استان‌هایی که غلبه جمعیتی با یک قوم می‌باشد؛ مانند آذربایجان شرقی یا کردستان، مشخص نیست که دیگر اقوام یا گروه‌ها چه نسبتی از جمعیت استان مورد نظر را تشکیل می‌دهند.

با توجه به این کمبودها از یک سو و لزوم در دست داشتن معیاری جهت ارائه داده‌هایی حتی‌الامکان دقیق در این زمینه، یکی از پرسش‌هایی که مطرح می‌شود آن است که از چه ماخذی در این زمینه می‌توان استفاده کرد. فرهنگ جغرافیایی ایران که در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ شمسی از سوی اداره جغرافیایی ارتش ایران منتشر شد، یکی از معدود ماخذی است که تا حدودی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. فرهنگ جغرافیایی ایران بی‌گمان تنها مرجعی است که داده‌های جمعیتی - قومی آن به صورت میدانی گردآوری شده و لذا آن را می‌توان در میالعات مرتبط با اقوام ایرانی به عنوان یک منبع پایه مورد توجه قرار داد. در این مجموعه که تحت نظارت سرتیپ حسینعلی رزم‌آرا تدوین شد علاوه بر جمعیت، اختصاصات مرتبط با دین، مذهب و زبان و برخی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلیه نقاط روستایی و تعدادی از شهرهای کوچک ایران احصاء در مجموعه فرهنگ جغرافیایی ایران منتشر گردیده است (هوشمند، ۱۳۸۴). لازم به ذکر است در ادامه این بررسی تنها به اقوام کرد، آذری، بلوچ، عرب و ترکمن توجه شده است.

پراکندگی قومی در استان‌های کشور

استان	قومیت مستقر در استان
آذربایجان شرقی	اکثریت آذری (ترک)
آذربایجان غربی	حدود نیمی کرد و نیمی آذری و حضور اقلیت‌های دینی آشوری و زرتشتی و ارمنی
اردبیل	اکثریت آذری (ترک)
ایلام	اکثریت کرد و لک، اقلیت لر و عرب
خوزستان	اقوام لر و عرب در اکثریت و دیگر گروه‌ها
زنجان	اکثریت آذری (ترک) اقلیت کرد
سیستان و بلوچستان	نیمی بلوچ و نیمی سیستانی (حدودی)
کردستان	اکثریت کرد اقلیت آذری
کرمانشاه	اکثریت کرد اقلیت آذری
گلستان	اقوام گوناگون و اقلیتی ترکمن

همانگونه که قبلا گفته شد به دلیل عدم دسترسی به امار های دقیق در خصوص پراکندگی اقوام ایرانی در گستره کشور و نیز امتزاج تاریخی ایرانیان نمی توان امار مستقلی در باره اقوام ارایه داد اما با توجه به ویژگی ها هر استان می توان به جای امار قومی جمعیت هر استان را مسامحتا جانشین امار های مورد نیاز نمود.

جدول شماره: ۱ جمعیت کشور و استان های مورد میالعه از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵

نام استان	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل کشور	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	۷۰۴۹۵۷۸۲
آذربایجان شرقی	۳۰۷۷۸۸۲	۳۳۲۵۵۴۰	۳۶۰۳۴۵۶
آذربایجان غربی	۱۹۷۱۶۷۷	۲۴۹۶۳۲۰	۲۸۷۳۴۵۹
اردبیل	۱۰۳۶۲۰۲	۱۱۶۸۰۱۱	۱۲۲۸۱۵۵
ایلام	۳۸۲۰۹۱	۴۸۷۸۸۶	۵۴۵۷۸۷
خوزستان	۲۶۸۱۹۷۸	۳۷۴۶۷۷۲	۴۲۷۴۹۷۹
زنجان	۷۸۲۹۸۸	۹۰۰۸۹۰	۹۶۴۶۰۱
سیستان و بلوچستان	۱۱۹۷۰۵۹	۱۷۲۲۵۷۹	۲۴۰۵۷۴۲
کردستان	۱۰۷۸۴۱۵	۱۳۴۶۳۸۳	۱۴۴۰۱۵۶
کرمانشاه	۱۴۶۲۹۶۵	۱۷۷۸۵۹۶	۱۸۷۹۳۸۵
گلستان	۱۱۴۵۰۳۳	۱۴۲۶۲۸۸	۱۶۱۷۰۸۷

جدول شماره ۱ نشان می دهد در ۱۰ استان مورد بررسی ۲۰۸۳۲۸۰۷ نفر معادل ۲۹/۵۵% جمعیت کشور ساکن هستند بیشترین جمعیت ساکن در استان خوزستان و کمترین جمعیت در استان ایلام سکونت دارند.

جدول شماره: ۲ متوسط رشد سالانه جمعیت کشور در مناطق مورد مطالعه از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ به درصد

نام استان	کل	شهری	روستایی
	۱۳۶۵ - ۷۵	۱۳۷۵ - ۸۵	۱۳۶۵ - ۷۵
	۱۳۷۵ - ۸۵	۱۳۶۵ - ۷۵	۱۳۷۵ - ۸۵
کل	۱/۹۶	۱/۶۱	۳/۲۱
آذربایجان شرقی	۰/۷۸	۰/۸۱	۲/۳۷
آذربایجان غربی	۲/۳۹	۱/۴۲	۳/۸۳
اردبیل	۱/۲۰	۰/۵۰	۳/۲۶
ایلام	۲/۴۷	۱/۱۳	۵/۱۸
	۰/۴۹	۰/۲۸	۲/۷۴
	-۰/۹۵	-۱/۲۱	۱/۸۳
	-۰/۲۸	۱/۰۱	۲/۷۵
	-۱/۵۶	-۰/۳۹	۲/۳۳
	-۰/۷۹	۰/۱۲	۲/۴۶

خوزستان	۳/۴۰	۱/۳۳	۴/۶۶	۲/۰۶	۱/۶۱	-۰/۱۵
زنجان	۱/۴۱	۰/۶۹	۳/۰۷	۲/۶۹	۰/۱۳	-۱/۵۱
سیستان و بلوچستان	۳/۷۱	۳/۴۰	۵/۰۰	۴/۱۵	۲/۷۲	۲/۶۶
کردستان	۲/۲۴	۰/۶۷	۵/۱۲	۱/۹۵	-۰/۱۵	-۰/۹۲
کرمانشاه	۱/۹۷	۰/۵۵	۲/۹۴	۱/۳۵	۰/۵۹	-۰/۹۴
گلستان	۲/۲۲	۱/۲۶	۳/۳۹	۳/۰۵	۱/۴۸	-۰/۲۱

جدول شماره ۲ نشان می دهد که در استان های مورد بررسی به تبعیت از روند حاکم بر تحولات جمعیتی کشور، از رشد جمعیت در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نسبت به ده سال گذشته یعنی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ کاسته شده است. رشد جمعیت کشور در این سال ها از ۱/۹۶ به ۱/۶۱ کاهش یافت. در کل استان های مورد بررسی هم این کاهش مشاهده می شود. در برخی از این استان ها روند کاهش رشد جمعیت قابل توجه می باشد. در استان کردستان رشد جمعیت از ۲/۲۴ در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۱/۶۷ در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ کاهش یافته است. این کاهش حتی شامل رشد جمعیت استان سیستان و بلوچستان می باشد. هر چند هنوز این استان از رشد جمعیت قابل توجهی برخوردار است. نرخ رشد فعلی جمعیت استان سیستان و بلوچستان بیش از دو برابر نرخ رشد جمعیت فعلی کشور می باشد اما نرخ رشد استان با وجود بالا بودن در طی این ده سال یعنی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ مقداری کاهش را نشان می دهد. این نرخ از ۳/۷۱ به ۳/۴۰ کاهش یافته است.

رشد جمعیت شهر نشین کشور هم در این دوره زمانی ده ساله یعنی در ده سال کاهش ۴۹/ را نشان می دهد. به سخن دیگر نرخ رشد جمعیت شهر نشین کشور از ۳/۲۱ در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۲/۷۳ در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ کاهش یافته است. در همه استان های مورد بررسی هم این کاهش رشد جمعیت قابل ملاحظه است. به عنوان نمونه رشد جمعیت در استان ایلام از ۵/۱۸ به ۲/۲۶، در استان سیستان و بلوچستان از ۵ به ۲/۱۵ و در استان کردستان از ۵/۱۲ به ۱/۹۵ کاهش یافته است. البته کماکان در استان های آذربایجان غربی و گلستان رشد جمعیت شهری از میانگین کشوری بیشتر می باشد. این رخ به ترتیب برای استان های فوق الذکر ۲/۷۵ و ۳/۰۵ می باشد.

در مناطق روستایی هم در کل کشور شاهد کاهش بیشتر رشد جمعیت و به سخن دیگر افزایش نرخ رشد منفی جمعیت هستیم. رشد منفی جمعیت از ۲/۲۸- در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به نرخ رشد منفی ۴۹- در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نشان از این وضعیت دارد. با این نرخ منفی رشد به تدریج از نسبت جمعیت روستا نشین کشور در مقابل جمعیت شهر نشین کاسته می شود. البته در استان سیستان و بلوچستان هنوز نرخ رشد جمعیت مثبت و بالایی عدد ۲ می باشد اما با این همه در این استان نرخ رشد جمعیت روستایی از ۳/۷۳ در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۲/۶۶ در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تنزل یافته است. کاهش رشد جمعیت روستایی در استان گلستان نیز از رشد ۱/۲۸ طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به ۲/۲۱- در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نشان از کاهش چشمگیر رشد جمعیت در این استان دارد. نرخ رشد منفی جمعیت در برخی از استان های مورد بررسی شدیدتر از میانگین کشوری است. این رخ منفی در استان های آذربایجان شرقی، اردبیل، ایلام، زنجان، کردستان و کرمانشاه به ترتیب ۹-، ۱۵-، ۷۹-، ۱۵-، ۹۲- و ۹۲- می باشد.

آنچه در خلال آمارهای فوق خود را نشان می دهد کاهش رشد جمعیت کشور، کاهش رشد جمعیت مناطق شهری و روستایی در کل کشور و بخش عمده ای از استان های مورد بررسی است. آنچه که در جدول مشخص است نرخ رشد جمعیت در برخی مناطق از حوزه یک قوم در استانی بالا و در استان دیگر نسبتاً پایین است. مقایسه امارهای آذربایجان شرقی و غربی موید این مدعا است.

نسبت جنسی برای کل کشور ۱۰۳/۵ می باشد یعنی در برابر هر ۱۰۰ زن ۱۰۳/۵ مرد در کشور زندگی میکند. در نقاط روستایی کل کشور نسبت جنسی ۱۰۳/۷ می باشد. به دلیل گسترش مهاجرت نیروی کار در برخی مناطق مورد بررسی نسبت جنسی زیر ۱۰۰ می باشد در مناطق روستایی استان اردبیل نسبت جنسی ۹۹/۷۶ می باشد. در مناطق روستایی استان گلستان هم نسبت جنسی ۹۷/۵ است. استان زنجان هم یکی از استان های مهاجر فرست کشور می باشد. در مناطق روستایی این استان هم نسبت جنسی ۹۶/۷۵ است. در مناطق شهری نسبت جنسی استان های مورد بررسی تفاوت معنا داری با سایر نقاط کشور را نمایش نمی دهد. در دو استان آذری یعنی زنجان و اردبیل وضعیت تقریبا مشابهی را شاهد هستیم.

جدول شماره ۳- تراکم نسبی جمعیت کشور به تفکیک استان (نفر در کیلومتر مربع)

نام استان	مساحت ^(۱) (کیلومتر مربع)	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل کشور	۱۶۲۸۵۵۴	۳۰	۳۷	۴۳
آذربایجان شرقی	۴۵۶۵۰	۶۷	۷۳	۷۹
آذربایجان غربی	۳۷۴۳۷	۵۳	۶۷	۷۷
اردبیل	۱۷۸۰۰	۵۸	۶۶	۶۹
ایلام	۲۰۱۳۳	۱۹	۲۴	۲۷
خوزستان	۶۴۰۵۵	۴۲	۵۸	۶۷
زنجان	۲۱۷۷۳	۳۶	۴۱	۴۴
سیستان و بلوچستان	۱۸۱۷۸۵	۷	۹	۱۳
کردستان	۲۹۱۳۷	۳۷	۴۶	۴۹
کرمانشاه	۲۴۹۹۸	۵۹	۷۱	۷۵
گلستان	۲۰۱۹۵	۵۷	۷۱	۸۰

(۱) منظور، مساحت خاکی است و مقادیر اعلام شده مربوط به سال ۱۳۸۳ می باشد.

جدول شماره ۳ تراکم نسبی جمعیت در کل کشور و در استان های مورد مطالعه را نشان می دهد. در سال ۱۳۸۵ تراکم جمعیت در کل کشور رقم ۴۳ نفر در هر کیلومتر مربع است. در برخی استان های مورد مطالعه تراکم نسبی جمعیت نزدیک دو برابر نرخ کشوری است. استان گلستان با تراکم ۸۰ و استان آذربایجان شرقی با ۷۹ نفر تراکم در هر کیلومتر مربع حدود دو برابر میانگین تراکم نسبی کشوری را در خود جای داده اند. کمالینکه در استان سیستان و بلوچستان با ۱۳ نفر ساکن در هر کیلومتر مربع ۳ برابر کمتر از میانگین کشوری را در خود پذیرا گشته است. البته در این باره لازم است توجه شود که وضعیت آب و هوای و جغرافیایی یکی از مهمترین دلایل این پراکندگی تراکم جمعیت در استان های کشور می باشد. جغرافیای طبیعی و آب و هوای نامناسب سیستان و بلوچستان در برابر شرایط مناسب تر گلستان و آذربایجان شرقی نمودی از این دلیل است. همچنین وسعت استان های کشور یکسان نمی باشد و در تقسیمات کشوری برای مشخص نمودن حدود و صغور مناطق متغیری به نام وسعت برابر کاربرد نداشته است. البته نقش عامل توسعه نامتوازن اقتصادی و اجتماعی کشور در این پدیده را هم نباید از نظر دور داشت. تمرکز امکانات در استان ها و شهر های خاص موجب هجوم مهاجران جویای کار از اقصی نقاط کشور به آن مناطق شده و این عامل موجب افزایش تراکم نسبی جمعیت در آن مناطق چون شهر تهران و اصفهان یا تبریز گردیده است.

جدول شماره ۴- توزیع نسبی خانوارهای معمولی^(۱) بر حسب تعداد افراد خانوار به تفکیک استان- ۱۳۸۵

استان	جمع	۱ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۵ نفر و بیشتر
کل کشور.....	۱۰۰/۰۰	۵/۲۱	۱۵/۲۷	۲۲/۹۰	۲۴/۴۲	۳۲/۲۱
آذربایجان شرقی.....	۱۰۰/۰۰	۵/۰۸	۱۴/۷۰	۲۴/۵۱	۲۶/۴۱	۲۹/۳۰
آذربایجان غربی.....	۱۰۰/۰۰	۳/۹۴	۱۱/۸۷	۲۰/۹۴	۲۴/۷۳	۳۸/۵۱
اردبیل.....	۱۰۰/۰۰	۳/۸۲	۱۲/۲۸	۲۰/۷۳	۲۲/۹۷	۴۰/۲۰
ایلام.....	۱۰۰/۰۰	۲/۰۷	۱۰/۱۶	۱۷/۴۹	۱۹/۴۸	۵۰/۸۰
خوزستان.....	۱۰۰/۰۰	۲/۵۳	۱۰/۴۹	۱۷/۲۸	۲۰/۰۷	۴۹/۶۴
زنجان.....	۱۰۰/۰۰	۵/۱۳	۱۴/۸۲	۲۲/۹۳	۲۳/۰۵	۳۴/۰۷
سیستان و بلوچستان.....	۱۰۰/۰۰	۳/۰۷	۱۳/۲۱	۱۵/۷۴	۱۶/۳۶	۵۱/۶۱
کردستان.....	۱۰۰/۰۰	۳/۹۳	۱۲/۷۲	۲۱/۹۳	۲۳/۱۰	۳۸/۳۳
کرمانشاه.....	۱۰۰/۰۰	۳/۹۹	۱۳/۶۴	۲۱/۳۶	۲۳/۳۹	۳۷/۶۲
گلستان.....	۱۰۰/۰۰	۳/۹۳	۱۳/۰۲	۲۱/۶۶	۲۳/۲۷	۳۸/۱۳

(۱) شامل خانوارهای گروهی نیز می‌شود.

بر مبنای جدول شماره ۴ در استان های مورد بررسی ۵/۲۱ در صد از خانوار های کل کشور ۱ نفره هستند. نزدیک ترین نرخ نزدیک به شاخص کشوری در میان استان های مورد بررسی مربوط به استان زنجان با نرخ ۵/۱۳ و استان آذربایجان شرقی با ۵/۰۸ درصد می باشد. کمترین نرخ در خصوص خانوار های ۱ نفره مربوط به استان ایلام با ۲/۰۷ درصد می باشد. ۱۵/۲۷ درصد از خانواده های سرشماری شده در سال ۱۳۸۵ در کل کشور ۲ نفره هستند و استان زنجان با ۱۴/۸۲ درصد خانوار های ۲ نفره نزدیک ترین رقم نسبت به معدل کشوری و استان ایلام با ۱۰/۱۶ درصد کمترین درصد را برای خانوار های ۲ نفره به خود اختصاص داده اند. خانوار های ۳ نفره ۲۲/۹۰ درصد از کل خانوار های کشور را شامل می شود. استان آذربایجان شرقی با ۲۴/۵۱ درصد خانوار ۳ نفره بیش از معدل کشوری است و استان سیستان و بلوچستان با ۱۵/۷۴ درصد خانوار های ۳ نفره پایین ترین درصد خانوارهای ۳ نفره را به خود اختصاص داده اند. این وضعیت برای خانوارهای ۴ نفره به قرار ذیل است. ۲۴/۴۲ درصد خانوار های کشور ۴ نفره هستند استان آذربایجان شرقی با ۲۶/۴۱ بیش از معدل کشوری و استان سیستان و بلوچستان با ۱۶/۳۶ درصد کمتر از معدل کشوری دارای خانوار ۴ نفره در سرشماری ۸۵ هستند. برای خانوارهای ۵ نفره اگر برای کل کشور ۳۲/۲۰ درصد خانوارها ۵ نفره و بیشتر هستند در استان آذربایجان شرقی ۲۹/۳۰ درصد ۵ نفره و بیشتر هستند در حالی که در استان سیستان و بلوچستان بیش از ۵۱/۶۱ درصد خانوارها ۵ نفره و بیشتر هستند. استان های ایلام و خوزستان هم با ارقام ۵۰ و ۴۹ درصد خانوار ۵ نفره و بیشتر در رتبه بعدی قرار دارند. به جز عامل سطح توسعه و فعالیت دستگاه های ذیربط در کنترل نرخ مولد به نظر می رسد عوامل فرهنگی هم در این وضعیت دخیل باشند که بررسی آن نیازمند مطالعه چند جانبه و مستقلی است.

جدول شماره ۵- توزیع نسبی جمعیت کشور بر حسب گروه‌های عمده سنی به تفکیک استان- ۱۳۸۵

نام استان	جمع	۰ تا ۱۴ ساله	۱۵ تا ۶۴ ساله	۶۵ ساله و بیش‌تر
کل کشور	۱۰۰	۲۵/۰۸	۶۹/۷۳	۵/۱۹
آذربایجان شرقی	۱۰۰	۲۳/۰۷	۷۰/۶۰	۶/۳۲
آذربایجان غربی	۱۰۰	۲۷/۴۶	۶۷/۴۳	۵/۱۱
اردبیل	۱۰۰	۲۶/۲۲	۶۸/۱۹	۵/۵۹
ایلام	۱۰۰	۲۵/۴۳	۷۰/۱۰	۴/۴۷
خوزستان	۱۰۰	۲۸/۵۷	۶۷/۶۵	۳/۷۸
زنجان	۱۰۰	۲۵/۲۷	۶۸/۷۷	۵/۹۶
سیستان و بلوچستان	۱۰۰	۳۸/۸۵	۵۸/۲۰	۲/۹۵
کردستان	۱۰۰	۲۶/۲۵	۶۸/۴۵	۵/۲۹
کرمانشاه	۱۰۰	۲۴/۳۵	۷۰/۲۸	۵/۳۷
گلستان	۱۰۰	۲۷/۱۸	۶۸/۵۳	۴/۲۸

شاخص جمعیتی دیگری که وضعیت استان‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد تفکیک جمعیت بر حسب گروه‌های عمده سنی است. در این شاخص جمعیت کشور و استان‌های مورد مطالعه در سه گروه سنی ۰ تا ۱۴ ساله، ۱۵ تا ۶۴ ساله و ۶۵ ساله و بیش‌تر تقسیم بندی شده است. در گروه ۰ تا ۱۴ ساله ۲۵/۰۸ درصد جمعیت کشور قرار گرفته اند. استان آذربایجان شرقی با ۲۳/۰۷ درصد ۰ تا ۱۴ ساله نزدیک ترین وضعیت را به میانگین کشوری دارد و استان سیستان و بلوچستان با ۳۸ درصد جمعیت ۰ تا ۱۴ ساله بیش ترین فاصله را با شاخص کشوری نشان می‌دهد. جوان شدن ساختار جمعیتی استان سیستان و بلوچستان نتیجه این فرایند است. در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله ۶۹/۷۳ درصد جمعیت کشور توزیع شده که این نسبت در استان آذربایجان شرقی ۷۰/۶۰ درصد و در استان سیستان و بلوچستان ۵۸/۲۰ درصد جمعیت می‌باشد. در گروه سنی ۶۵ ساله و بالاتر ۵/۱۹ درصد جمعیت کل کشور در این گروه قرار می‌گیرند. در حالی که این درصد برای استان آذربایجان شرقی ۶/۳۳ درصد و استان سیستان و بلوچستان ۲/۹۵ درصد می‌باشد این مفهوم به نوعی نشان گر شاخص‌های بهداشتی و امید به زندگی در استان‌های کشور می‌باشد.

جدول شماره ۶- بعد خانوار (متوسط افراد در خانوار) به تفکیک استان

نام استان	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل کشور	۴/۱۴	۴/۰۳
آذربایجان شرقی	۴/۷۸	۳/۹۵
آذربایجان غربی	۵/۳۰	۴/۳۸
اردبیل	۵/۴۶	۴/۳۶
ایلام	۵/۹۲	۴/۸۹
خوزستان	۵/۸۱	۴/۹۳
زنجان	۵/۱۰	۴/۰۹
سیستان و بلوچستان	۵/۹۰	۵/۱۱
کردستان	۵/۲۵	۴/۲۶
کرمانشاه	۵/۱۳	۴/۲۲
گلستان	۵/۳۱	۴/۲۵

شاخص بعدی مورد مطالعه بعد خانوار (متوسط افراد در خانوار) به تفکیک استان می باشد. این شاخص برای کل کشور ۴/۳ نفر می باشد. یعنی متوسط افراد خانوار در کشور ۴/۳ نفر در هر خانوار است. در استان آذربایجان شرقی این نسبت ۳/۹۵ نفر یعنی کمتر از میانگین کشوری است. و برای استان سیستان و بلوچستان ۵/۱۱ نفر یعنی متوسط افراد خانوار در این استان بیش از متوسط کشوری است. همانگونه که در ابتدای این بخش تشریح شد این شاخص های جمعیتی به هیچ وجه صرفاً ویژگی قومی ندارد.

ویژگی های اقتصادی - اجتماعی در استان های مورد مطالعه

یکی از مهمترین شاخص های توسعه نرخ باسوادی است. بر اساس جدول شماره ۷ ملاحظه می شود روند سوادآموزی در کشور و استان های مورد بررسی از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. هر چند نرخ باسوادی در استان های مورد بررسی یکسان نیست.

بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ که در جدول شماره ۹ نشان داده شده است ۸۴/۶۱ از کل افراد ۶ ساله و بالاتر کشور باسواد هستند. نرخ باسوادی در استان های مورد بررسی هم نشان از باسوادی اکثریت جمعیت ۶ ساله ها و بالاتر دارد. امادر همه استان های مورد بررسی درصد باسوادی پایین تر از میانگین کشوری است. نزدیک ترین عدد به میانگین کشوری باسواد ها در استان خوزستان می باشد که ۸۳/۶۲ باسوادی را نشان می دهد. در استان گلستان ۸۲/۰۶ درصد، استان کرمانشاه ۸۲/۱۳، استان ایلام ۸۱/۹۰ و استان آذربایجان شرقی ۸۱/۵۶ درصد نرخ باسوادی ۶ ساله ها و بالاتر گزارش شده است. کمترین میزان باسوادی در استان های مورد بررسی مربوط به استان سیستان و بلوچستان است با ۶۸/۰۱ درصد نرخ باسوادی و سپس استان کردستان با ۷۷/۴۷ درصد در رتبه ماقبل آخر قرار دارد. توجه در امار های مزبور نشان میدهد نرخ باسوادی ویژگی قومی ندارد. به عنوان نمونه استان های کردنشین کرمانشاه و ایلام بابت از ۸۱ درصد باسوادی در رتبه های بالای باسوادی و استان کردستان در رتبه ماقبل آخر جدول قرار دارند. به دیگر سخن از استان های محل سکونت قوم کرد دو استان با بیش از ۸۱ درصد باسوادی در وضعیت نسبتاً قابل قبول تری در مقایسه با دو استان کردنشین دیگر یعنی استان کردستان و آذربایجان غربی قرار دارند. هر چند این امار ها نشان می دهد که در زمینه ی گسترش سواد آموزی نیازمند فعالیت و برنامه ریزی جامع تر و کارآمد تری هستیم. کمالینکه کم سوادی نیز در خلال این امار ها نمایش داده نشده است.

جدول شماره ۷- میزان باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیش تر بر حسب نقاط شهری و روستایی به تفکیک استان- ۱۳۸۵

نام استان	کل	شهری	روستایی
کل کشور	۸۴/۶۱	۸۸/۹۳	۷۵/۰۹
آذربایجان شرقی	۸۱/۵۶	۸۵/۵۱	۷۳/۵۴
آذربایجان غربی	۷۷/۷۷	۸۳/۵۸	۶۸/۹۰
اردبیل	۸۰/۰۴	۸۵/۰۶	۷۳/۰۳
ایلام	۸۱/۹۰	۸۶/۷۶	۷۴/۹۵
خوزستان	۸۳/۶۲	۸۸/۲۷	۷۴/۱۹
زنجان	۸۱/۷۲	۸۷/۱۱	۷۴/۱۹
سیستان و بلوچستان	۶۸/۰۱	۷۶/۳۷	۵۹/۸۲
کردستان	۷۷/۴۷	۸۲/۵۷	۶۹/۹۴
کرمانشاه	۸۲/۱۳	۸۵/۸۲	۷۴/۹۴
گلستان	۸۲/۰۸	۸۸/۰۶	۷۶/۲۴

در مناطق شهری هم ۸۸/۹۳ درصد جمعیت شهرنشین ۶ ساله و بالاتر کشور باسواد هستند. استان های خوزستان، گلستان، زنجان و ایلام با ۸۸/۲۷؛ ۸۸/۰۶؛ ۸۷/۱۱ و ۸۶/۷۶ درصد بالاترین درصد باسواد و استان سیستان و بلوچستان و کردستان با ۷۶/۳۷ و ۸۲/۵۷ درصد کمترین درصد جمعیت باسواد ۶ ساله و بالاتر را داشته اند.

در مناطق روستایی ۷۵/۰۹ درصد کل جمعیت ۶ ساله و بالاتر روستایی کشور باسواد هستند. نرخ باسوادی روستایی در استان گلستان بیشتر از نرخ کشوری است یعنی ۷۶/۲۴ درصد جمعیت روستایی ۶ ساله و بالاتر اطن استان باسواد هستند. رتبه بعدی باسوادی روستاییان در استان های مورد بررسی مربوط به استان های ایلام و کرمانشاه می باشد. این میزان برای استان ایلام ۷۴/۹۵ و استان کرمانشاه ۷۴/۹۴ درصد است. کمترین میزان باسوادی روستایی هم به ترتیب برای استان سیستان و بلوچستان با ۵۹/۸۲ درصد، استان آذربایجان غربی ۶۸/۹۰ درصد و استان کردستان ۶۹/۹۴ درصد می باشد. در این امارها هم نشانه خاصی بر رابطه قومیت و سواد به چشم نمی خورد. از طرفی ایلام و کرمانشاه کردنشین بالاترین و از طرفی کردستان کم ترین درصد باسوادی روستایی را نشان می دهند.

جدول شماره ۸- شاخص های عمده ی نیروی کار در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ۱۳۸۰^(۱)
(درصد)

استان	نرخ بیکاری	نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله
کل کشور	۱۴/۲	۳۳/۶
آذربایجان شرقی	۶/۷	۱۵/۱
آذربایجان غربی	۱۰/۶	۲۳/۱
اردبیل	۱۱/۵	۳۱/۳
ایلام	۱۷/۱	۵۰/۶
خوزستان	۱۷/۶	۴۱/۹
زنجان	۱۱/۹	۲۸/۱
سیستان و بلوچستان	۳۵/۳	۶۱/۶
کردستان	۱۷/۶	۳۷/۸
کرمانشاه	۲۷/۲	۵۶/۶
گلستان	۱۴/۱	۲۹/۱

مأخذ- مرکز آمار ایران

در جدول شماره ۸ و ۹ شاخص های عمده نیروی کار در استان های مورد بررسی در دو مقطع زمانی ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ در قالب نرخ بیکاری و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله نشان داده شده است. جدول شماره ۱۰ نشان می دهد در سال ۱۳۸۰ نرخ بیکاری برای کل کشور ۱۴/۲ درصد و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۳۳/۶ درصد بوده است. این نرخ در استان های مورد بررسی نامتوازن است. از سویی در استان ترک نشین اذربایجان شرقی در وضعیت بسیار مناسب تری حتی در مقایسه با وضعیت کشوری قرار دارد به نحوی که در این استان این نرخ ها به ترتیب ۶/۷ و ۱۵/۱ درصد می باشد. در حالی که در دیگر استان ترک نشین یعنی اردبیل این نرخ ها به ترتیب ۱۱/۵ و ۳۱/۳ درصد می باشد. بالاترین نرخ بیکاری در استان کرد نشین کرمانشاه به ترتیب با ۲۷/۲ و ۵۶/۶ درصد می باشد. در دو استان کرد نشین دیگر یعنی کردستان و ایلام هم در بین سال نرخ بیکاری با ۱۷/۶ و ۱۷/۱ درصد، بیشتر از میانگین کشوری بوده است. در استان نفت خیز خوزستان هم نرخ بیکاری بیشتر از میانگین کشوری و ۱۷/۶ درصد بوده است. بالاترین نرخ بیکاری مربوط به استان سیستان و بلوچستان است با نرخ بیکاری شدید و گسترده ۳۵/۳ درصد و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۶۱/۶ درصد که تفاوت عمیقی با میانگین کشوری دارد.

جدول شماره ۹ - شاخص های عمده نیروی کار در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ۱۳۸۵^(۱)
(درصد)

استان	نرخ بیکاری	نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله
کل کشور	۱۱/۲	۲۳/۳
آذربایجان شرقی	۵/۳	۱۰/۴
آذربایجان غربی	۱۰	۱۷/۸
اردبیل	۱۱/۱	۲۲/۷
ایلام	۱۳/۶	۳۵/۶
خوزستان	۱۲/۸	۲۷/۵
زنجان	۱۱/۶	۲۲/۹
سیستان و بلوچستان	۱۰/۹	۲۳/۳
کردستان	۱۰/۶	۲۲/۴
کرمانشاه	۱۶/۵	۳۴/۹
گلستان	۹	۱۷/۷

طبق امار ها در دوره ۵ ساله ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ امار بیکاری کاهش چشم گیری داشته و امار بیکاران از ۱۴/۲ درصد به ۱۱/۲ و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله هم از ۳۳/۶ به ۲۳/۳ درصد رسیده است. این کاهش نرخ بیکاری شامل تمام استان های مورد بررسی می شود و بر مبنای آمار های مرکز امار ایران در دوره ۵ ساله نرخ

بیکاری در استان های مورد بررسی کاهش چشمگیری داشته است. به عنوان نمونه در استان های ترک نشین آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان و آذربایجان غربی (کرد و ترک) به ترتیب امار بیکاری از ۶/۷، ۱۱/۵، ۱۱/۹ و ۱۰/۶ به ۵/۳، ۱۱/۱، ۱۱/۶ و ۱۰ درصد کاهش یافته است. در استان های کرد نشین کردستان، کرمانشاه و ایلام هم امار بیکاری از ۱۷/۶، ۲۷/۲ و ۱۷/۱ درصد به ترتیب به ۱۰/۶، ۱۶/۵ و ۱۳/۶ درصد کاهش یافته است. بیشترین کاهش امار بیکاری در طی ۵ سال طبق آمار های مرکز امار ایران مربوط به استان سیستان و بلوچستان می باشد که از رقم ۳۵/۳ درصد بیکاری به ۱۰/۹ درصد! کاهش یافته است. جدا از دقت امار ها! معلوم نیست که چگونه در طی ۵ سال نرخ بیکاری به این صورت کاهش یافته است. بر مبنای آمار های موجود نرخ بیکاری در دو استان کرد نشین کرمانشاه و ایلام هنوز بیشتر از میانگین کشوری است. دغدغه اشتغال یکی از مهمترین دغدغه ها و نگرانی های خانواده ها، جوانان و مردم مناطق مختلف کشور است و به نظر می رسد اشتغال زایی و کاهش بیکاری در صدر مطالبات مردم در اقصی نقاط کشور قرار داشته باشد.

جدول شماره ۱۰: تعداد کارگاههای صنعتی برحسب استان در سال ۱۳۸۴

نام استان	کل کارگاهها		
	جمع	۱۰-۴۹ نفر	۵۰-۹۹ نفر
کل کشور	۱۶۰۱۸	۱۲۲۰۶	۱۸۳۰
آذربایجان شرقی	۸۸۳	۷۰۱	۸۸
آذربایجان غربی	۴۴۴	۳۷۹	۳۴
اردبیل	۱۳۸	۱۱۷	۱۱
ایلام	۲۸	۲۳	۳
خوزستان	۲۹۱	۲۰۰	۳۰
زنجان	۲۰۴	۱۲۳	۲۸
سیستان و بلوچستان	۱۳۸	۱۲۲	۱۱
کردستان	۱۸۹	۱۷۴	۱۰
کرمانشاه	۱۹۸	۱۶۰	۲۰
گلستان	۲۲۷	۱۹۴	۱۵
	۱۹۸۲		

جدول شماره ۱۰ تعداد کارگاههای صنعتی برحسب استان در سال ۱۳۸۴ را نمایش می دهد. بر طبق این جدول پراکندگی کارگاه های صنعتی در کشور بسیار نامتوازن می باشد. به گونه ای که از کل ۱۶۰۱۸ کارگاه های صنعتی تنها تنها کمتر از ۱۷ درصد در استان ایلام قرار دارد در حالی که در استان آذربایجان شرقی ۵/۵ درصد کارگاه های صنعتی کشور مستقر می باشد. استان آذربایجان غربی هم در این باره یعنی وجود کارگاه های صنعتی با ۲/۷۷ درصد سهم بیشتری از دیگر استان های مورد بررسی را به خود اختصاص می دهد هر چند معلوم نیست که در درون استان آذربایجان غربی سهم مناطق ترک نشین و کرد نشین از این کارگاه ها برابر باشد. استان های خوزستان با ۱/۸۲ درصد، زنجان با ۱/۲۷، کرمانشاه با ۱/۲۴ درصد، گلستان با ۱/۲ درصد، کردستان با ۱/۹۰ درصد سیستان و بلوچستان و اردبیل هم با ۸/۶ درصد در رتبه های بعدی از نظر تعداد کارگاه

های صنعتی را دارا می باشند. اگر استان ترک نشین اذربایجان شرقی رتبه اول را در میان استان های مورد بررسی داراست. استان ترک نشین اردبیل هم در کنار بلوچستان رتبه اخر را به خود اختصاص داده است. این وضعیت یعنی ناموزونی در تعداد کارگاه های صنعتی در خصوص کارگاه های دارای صد تن و بیشتر کارکن هم با شدت بیشتری نمایان است. اگر استان اذربایجان شرقی حدود ۴/۷ درصد این کارگاه ها را به خود اختصاص داده است استان ایلام تنها ۱/ درصد از این کارگاه ها را به خود اختصاص داده است! تمرکز نسبی سرمایه گذاری صنعتی بخش های دولتی و خصوصی در مناطق مرکزی کشور موجب محرومیت بخش های گسترده ای از ایران از نظر واحد های صنعتی گردد. مطالعه چرایی این وضعیت و ارایه راه حل کارشناسانه برای کاهش این ناموزونی یکی از مسائل با اهمیتی است که بی توجهی به آن پیامد ها و عواقب نامطلوب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی به همراه خواهد داشت.

جدول شماره ۱۱ - مشخصات عمومی معادن در حال بهره برداری بر حسب فعالیت سال ۱۳۸۴

تعداد شاغلان	تعداد معادن		جمع	نام استان
	مدیریت عمومی	مدیریت خصوصی		
۵۴۸۵۴	۳۲۷	۲۹۹۶	۳۳۲۴	کل کشور
۱۴۹۵	۸	۱۵۱	۱۵۹	آذربایجان شرقی
۱۹۱۹	۳۹	۲۰۰	۲۳۹	آذربایجان غربی
۳۹۲	۲	۵۷	۵۹	اردبیل
۲۸۳	۱۰	۱۹	۳۰	ایلام
۸۴۲	۲	۸۵	۸۷	خوزستان
۹۶۰	۹	۷۵	۸۴	زنجان
۷۸۵	۵	۳۰	۳۶	سیستان و بلوچستان
۹۰۱	۱۴	۱۲۱	۱۳۵	کردستان
۸۰۵	۳۰	۶۱	۹۱	کرمانشاه
۱۹۰۴	۲۰	۴۷	۶۷	گلستان

مأخذ- مرکز آمار ایران

بر اساس جدول شماره ۱۱ از کل ۳۳۲۴ معدن فعال و در حال بهره برداری کشور ۴/۷۸ درصد در استان اذربایجان شرقی، ۷/۲ درصد در استان آذربایجان غربی، ۱/۷۷ درصد در استان اردبیل، ۱/۰ درصد در ایلام، ۲/۶۲ درصد در خوزستان، ۱/۰۸ درصد در سیستان و بلوچستان، ۴/۰۶ درصد در کردستان، ۲/۷۴ درصد در کرمانشاه و ۲/۰۱ درصد در استان گلستان مستقر هستند. وجود منابع و معادن غنی و با اهمیت در گستره کشور به ویژه در مناطق مورد بررسی نیز از مواهب و استعداد هایی است که هنوز توجه به آن و تلاش برای استفاده کارشناسانه و بهینه از آن راضی کننده نیست.

جدول شماره ۱۲ - تعداد موسسات درمانی فعال و تعداد تخت در استان ها: سال ۱۳۸۵

نام استان	موسسه	تخت
کل کشور	۷۷۳	۱۱۶۴۷۴
آذربایجان شرقی	۳۸	۵۹۶۴
آذربایجان غربی	۲۳	۳۶۳۰
اردبیل	۱۴	۱۶۵۴
ایلام	۹	۸۷۵
خوزستان	۴۷	۷۵۱۱
زنجان	۱۰	۱۲۶۴
سیستان و بلوچستان	۱۳	۲۱۱۷
کردستان	۱۴	۲۱۵۵
کرمانشاه	۲۵	۲۹۲۲
گلستان	۱۸	۱۷۶۹

جدول شماره ۱۲ نشان می دهد که در سال ۱۳۸۵ در کشور ۷۷۳ موسسه درمانی و ۱۱۶۴۷۴ تخت بیمارستانی وجود داشته که بخشی از این موسسات و تخت ها در مناطق مورد بررسی قرار داشته اند. در میان استان های مورد بررسی استان خوزستان با ۶/۱ درصد از کل موسسات درمانی و ۶/۴۵ درصد از تخت های بیمارستانی در رتبه نخست قرار دارد. آذربایجان شرقی با ۴/۹ درصد موسسات و ۵/۱ درصد تخت ها در رتبه بعدی قرار دارد. از نظر موسسات درمانی استان کرمانشاه قرار دارد که با ۳/۲ درصد از کل موسسات در رتبه سوم استان های مورد بررسی قرار دارد. از نظر تعداد تخت های بیمارستانی استان آذربایجان غربی با ۳/۱ درصد قبل از کرمانشاه قرار دارد. کمترین سهم در میان استان های مورد بررسی از نظر تعداد موسسات مربوط به استان ایلام با ۱/۱۶ و از نظر تعداد تخت مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۱/۰۸ درصد از تخت های کشور می باشد. دسترسی به خدمات مطلوب بهداشتی و درمانی یکی از مهمترین شاخص های توسعه انسانی است. نابرابری در این حوزه نیازمند تلاش جدی برای رفع کاستی ها و نارسایی هاست.

جدول شماره ۱۳: توزیع اعتبارات توسعه و توازن منطقه ای طی سال های ۱۳۸۱-۱۳۸۶ میلیون ریال

نام استان	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	جمع کل
آذربایجان شرقی	۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۵۰۰۰	۴۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۱۴۳۰۰۰
آذربایجان غربی	۴۸۰۰۰	۴۳۵۰۰	۵۰۰۰۰	۱۴۲۰۰۰	۱۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۵۱۸۵۰۰
اردبیل	۶۵۰۰۰	۸۲۵۰۰	۵۱۵۰۰	۱۱۱۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰	۵۳۵۰۰۰
ایلام	۷۳۰۰۰	۶۸۰۰۰	۶۱۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	۵۴۲۰۰۰
خوزستان	۱۷۰۰۰	۱۲۵۰۰	۶۹۰۰۰	۱۴۲۰۰۰	۲۳۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۵۸۷۵۰۰
زنجان	-	۷۰۰۰	۳۵۰۰	۱۵۰۰۰	۲۰۰۰۰	۱۵۰۰۰	۶۰۵۰۰

سیستان و بلوچستان	۷۸۰۰۰	۷۳۰۰۰	۸۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰	۷۷۶۰۰۰
کردستان	۷۶۰۰۰	۸۱۵۰۰	۶۵۰۰۰	۱۷۲۰۰۰	۳۴۰۰۰۰	۱۷۰۰۰۰	۹۰۴۵۰۰
کرمانشاه	۷۸۰۰۰	۸۱۵۰۰	۶۱۱۰۰	۱۶۱۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	۹۵۰۰۰۰	۵۸۶۶۰۰
گلستان	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۱۵۰۰	۴۱۰۰۰	۲۵۰۰۰	۷۵۰۰۰	۱۷۲۵۰۰

مأخذ- بودجه های مصوب سال های مورد بررسی

جدول شماره ۱۳ نشانگر توزیع اعتبارات توسعه و توازن منطقه ای طی سال های ۱۳۸۱-۱۳۸۶ می باشد. همانگونه که مشاهده می شود در ۵ سال گذشته هر سال اعتبارات توسعه و توازن منطقه ای استان های مورد بررسی به ویژه استان های محروم تر هم چون استان سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام، زنجان و دیگر استان ها افزوده شده است. اما به نظر می رسد به دلیل توسعه نایافتگی عمیق این مناطق هنوز با وضعیت ایده آل فاصله زیادی وجود داشته باشد. کما اینکه در درون این استان ها هم از نظر سطح توسعه ناموزونی عمیقی وجود دارد. به کارگیری توان کارشناسی کشور و مناطق برای ارائه تصویری دقیق از شاخص های توسعه منطقه ای و طراحی نظام جامع توازن منطقه ای و اجرای دقیق نتایج این برنامه ها در یک دوره محدود زمانی می تواند گامی اساسی در رفع نابرابری های منطقه ای باشد.

جدول شماره ۱۴- ازدواج و طلاق ثبت شده در نقاط شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۸۵

نام استان	کل		شهری		روستایی	
	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق
کل	۷۷۸۰۲۳	۹۴۰۴۰	۵۵۶۶۵۸	۷۸۸۰۱	۲۲۱۳۶۵	۱۵۲۳۹
آذربایجان شرقی	۴۳۱۸۸	۳۹۴۴	۲۸۱۷۴	۳۲۶۴	۱۵۰۱۴	۶۸۰
آذربایجان غربی	۳۴۸۴۸	۳۴۳۰	۱۸۹۵۳	۲۵۳۸	۱۵۸۹۵	۸۹۲
اردبیل	۱۶۱۲۰	۱۴۵۰	۱۱۳۰۱	۱۱۲۴	۴۸۱۹	۳۲۶
ایلام	۵۳۱۵	۲۲۹	۳۴۲۲	۱۶۲	۱۸۹۳	۶۷
خوزستان	۴۸۴۷۴	۴۳۶۹	۳۴۱۳۲	۳۷۸۹	۱۴۳۴۲	۵۸۰
زنجان	۱۲۲۱۴	۱۱۱۶	۶۹۹۷	۷۶۶	۵۲۱۷	۳۵۰
سیستان و بلوچستان	۱۹۸۲۳	۸۸۹	۱۱۵۳۹	۷۱۳	۸۲۸۴	۱۷۶
کردستان	۱۷۷۳۴	۲۵۶۰	۱۰۳۹۳	۱۸۵۵	۷۳۴۰	۷۰۵
کرمانشاه	۲۱۸۹۲	۳۴۵۳	۱۷۱۶۰	۲۹۳۰	۴۷۳۲	۵۲۳
گلستان	۲۱۱۲۸	۱۴۹۹	۹۶۴۹	۱۰۳۲	۱۱۴۷۹	۴۶۷

یکی از مباحثی که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد شاخص ازدواج و طلاق می باشد. در استان های مورد بررسی به تبع شرایط خاص و مسائل فرهنگی هر استان وضعیت این شاخص متفاوت می باشد. در سال ۱۳۸۵ در کل کشور نسبت طلاق به ازدواج ۱۲/۰۸ درصد و در مناطق شهری ۱۴/۱۵ درصد و در مناطق روستایی ۶/۸۸ درصد گزارش شده است. در میان استان هایی که مورد بررسی قرار گرفت استان کردنشین ایلام با ۴/۳ درصد طلاق نسبت به ازدواج کمترین نسبت طلاق در استان های مورد بررسی و استان کردنشین کرمانشاه با ۱۵/۷۷ درصد بیشترین نسبت طلاق به ازدواج را نشان می دهند. بالاترین نسبت طلاق به ازدواج در مناطق شهری استان های مورد بررسی بالاترین میزان طلاق مربوط به نقاط شهری استان کردنشین کردستان با ۱۷/۸۵ درصد و کمترین میزان هم مربوط به استان کردنشین ایلام با ۴/۳۷ درصد می باشد. بیشترین میزان طلاق نسبت به ازدواج

در مناطق روستایی استان کردنشین کرمانشاه با ۱۱/۰۵ درصد و سپس استان کردنشین کردستان با ۹/۶ درصد و کمترین میزان طلاق در مناطق روستایی هم مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۲/۱۲ درصد و سپس استان کردنشین ایلام با ۳/۵ درصد می باشد. در استان های ترک نشین این نسبت مجموعاً از وضعیت کشوری مناسب تر بوده و نسبت طلاق به ازدواج از میانگین کشوری کمتر است. در استان های خوزستان و گلستان نیز وضعیت مشابه می باشد.

جدول شماره ۱۵ - پرونده های تشکیل شده در حوزه استحضایی نیروی انتظامی بر حسب موضوع سال ۱۳۸۳

نام استان	قتل عمد	قتل غیر عمد	مرگ های اتفاقی	ضرب و جرح و صدمه	تهدید	اجبار و اکراه	تظاهر به چاقوکشی	مسموم کردن عمدی
کل کشور	۲۰۱۵	۱۳۸۹	۱۰۹۹۹	۸۰۰۳۶	۵۳۶	۱۴۱۵	۳۵۴۲	۳۶۶
آذربایجان شرقی	۶۸	۶۲	۲۰۵	۳۵۲۸	۱	۴۲	۱۹۲	۴
آذربایجان غربی	۵۸	۲۷	۳۵۵	۵۴۴۴	۴۶	۱۴۷	۱۳۳	۹
اردبیل	۶	۱۶	۳۰۱	۳۰۶۹	۲۶	۱۳	۵۱	۴۴
ایلام	۶۵	۳	۷۷	۲۱۸	۱۰	۱	۵۲	۱۴
خوزستان	۱۱۳	۷۸	۵۳۸	۳۶۱۰	۴۳	۱۲۹	۸۵	۶
زنجان	۱۱	۱	۱۰۹	۹۴	۶	۰	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۱۳۱	۳۰	۲۴۸	۲۶	۱	۱	۳۷۱	۰
کردستان	۴۶	۳	۱۸۱	۵۶۸	۱۸	۱۸	۷۰	۸
کرمانشاه	۸۵	۲۵	۴۵۶	۴۵۴	۲	۳۳	۵۴	۱
گلستان	۳۱	۳۴	۱۴۷	۷۵۶	۴	۹	۱۰۶	۱۱

جدول شماره ۱۵ پرونده های تشکیل شده در نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۳ را نشان می دهد همانگونه که مشاهده می شود به جز امار ضرب و جرح و صدمه در برخی استان ها در زمینه سایر شاخص ها مورد معناداری مشاهده نمی شود. امار های استان زنجان البته نشانگر شرایط مطلوب تر این استان در این خصوص می باشد.

جدول شماره ۱۶ - انواع مواد مخدر کشف شده توسط نیروی انتظامی در ۱۳۸۴ (کیلوگرم)

نام استان	جمع	هرویین	مرفین	تریاک و شیره تریاک	حشیش	سایر
کل کشور	۲۹۳۸۵۵	۵۹۳۷	۶۳۱۳	۲۲۱۰۶۲	۵۴۳۸۴	۶۱۸۹
آذربایجان شرقی	۲۲۲۴	۴۳	۲۸۱	۱۰۶۲	۲۱۸	۶۲۰
آذربایجان غربی	۳۴۸۵	۶۳	۳۶۱	۳۹۸	۱۶۶	۲۴۹۷
اردبیل	۱۱۱۹	۱۵	۰	۲۹۱	۱۵	۷۹۸
ایلام	۵۷	۰	۰	۵۳	۳	۱
خوزستان	۲۶۶۹	۳۱	۰	۱۱۱۲	۱۵۱۴	۱۲
زنجان	۹۶۴	۸	۵۴۶	۲۰۲	۱۰	۱۹۷

سیستان و بلوچستان	۴۶۴۵۱	۱۲۸۳	۶۸۵	۲۲۶۱۵	۲۱۸۴۲	۲۵
کردستان	۲۴۸	۵	۰	۱۷۱	۲۹	۴۳
کرمانشاه	۷۴۹	۶	۰	۶۶۸	۶۶	۱۰
گلستان	۲۰۷۷	۲۷	۱۹	۱۸۹۵	۹۲	۴۴

جدول شماره ۱۶ نشان می دهد که میزان کشفیات مواد مخدر نیروی انتظامی در استان های کردنشین کردستان و ایلام کمتر از سایر استان ها می باشد. البته استان سیستان و بلوچستان یکی از دروازه های ورودی مواد مخدر می باشد. کماینکه این امار ها به دلایل متعددی نمیتواند معرف میزان گسترش مواد مخدر و مصرف آن در استان های مورد بررسی باشد. کیفیت عملکرد متفاوت نیروی انتظامی در استان های مختلف یکی از این دلایل می باشد.

برخی ویژگی های نظام برنامه ریزی کشور و توسعه نیافتگی مناطق

اگر چه همانگونه که در برنامه های توسعه کشور قبل و بعد از انقلاب توجه به توسعه مناطق مختلف کشور در قالب برنامه ها مورد توجه برنامه ریزان و قانون گذاران بوده است؛ اما به دلایل گوناگون توسعه مناطق مختلف کشور هنوز با چالش های بی شماری روبرو است. مدیریت و برنامه ریزی در ایران با دشواری های فراوانی روبرو است، به طوری که معمولاً دستاوردهای حاصل از برنامه های عمرانی از پیش بینی های دولت و انتظارات مردم بسیار کمتر است. با این وصف منحصر کردن مشکلات و موانع موجود در مسیر توسعه کشور، به تصمیم گیری و عملکرد دولت و از آن بی-معناتر از قصد و نیتی خاص و سازمان یافته تر در محروم نگاه داشتن بخشی از کشور سخن گفتن- به گونه ای که در پاره-ای از آثار گروه های قومگرا ملاحظه می شود - نه تنها نادرست است و کمکی به حل آن مسائل نمی کند بلکه با تقلیل مسئله و کوچک نمودن ابعاد پیچیده آن، صورت مسئله را نیز تغییر می دهد. اینکه دولت مرکزی می بایست یا می توانست چه اقداماتی به انجام برساند تا نارضایی های موجود به حداقل برسد و مناطق و خصوصاً استان های محروم و بعضاً قوم نشین کشور چشم انداز روشن تری از توسعه پیش روی داشته باشند، پرسشی است که محققان و کارشناسان به دفعات آن را طرح کرده، پاسخ داده و در آینده نیز بررسی خواهند نمود. اما در کنار این پرسش شناسایی و معرفی سایر متغیرهایی که شکاف توسعه ای را در کشور دامن زده اند نیز ضروری به نظر می رسد.

بخشی از این متغیرها در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته وجود دارند و مختص به کشور ایران نیستند. برای نمونه با وجود آن که «درآمد سرانه» تنها محور توسعه در جهان امروز محسوب نمی شود اما هنوز هم رابطه مستقیمی با رشد سایر شاخص های توسعه دارد. متأسفانه طبق آمارهای موجود، ایران از این لحاظ از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار نیست. برای مثال رتبه تولید داخلی سرانه در ایران براساس قیمت های سال ۱۹۹۰ در بین ۱۰۰ کشور جهان ۴۶ است اما همین رتبه در میزان رشد شاخص تولید داخلی سرانه به ۶۷ می رسد که مبین درصد پایین رشد این شاخص در میان سایر کشورهای مورد مطالعه است. (کوه شکاف، ۱۳۸۴)

از سوی دیگر عواملی چون فقدان ثبات سیاسی در داخل و در حوزه های اطراف کشور، بی ثباتی در سیاست های خارجی و مناسبات اقتصادی و تجاری با سایر کشورها، نهادمند نشدن ارزش های متناسب با توسعه، کمبود دانش و تکنولوژی و فن آوری در سطح پایین، پایین بودن روح تولید و کارآفرینی در نیروی انسانی، کمبود نیروی انسانی متخصص و محقق و خلاق و بسیاری از متغیرهای ریز و درشت دیگر نیز که به عنوان بستر حرکت در مسیر توسعه باید از رشد نسبی برخوردار باشند، هنوز در کشور جا نیفتاده اند.

علاوه بر این به گونه ای که ملاحظه شد در عرصه توسعه اقتصادی کشور نیز به رغم نابرابری های بی چون و چرا، از قصد و نیت و برنامه ای خاص در عقب نگهداشته شدن این یا آن گروه قومی نیز نمی توان سخن گفت. در واقع توسعه در ایران به رغم تلاش های فراوان آن که سامانی مشخص بیابد بیشتر اوقات وجه «تصادفی» خود را حفظ کرده است.

در توضیح پیش زمینه های توسعه و توضیح روالی که ایران در این عرصه تجربه کرد عواملی چون مرکزیت سیاسی، جغرافیایی، امنیت و ثبات مناطق، مرکزیت ارتباطی و بازرگانی و نیز دوری از مناطق مورد هجوم و وجود موانع و مرزهای طبیعی بر سر راه تهاجم دشمن ... هر یک نقش تعیین کننده ای در این عرصه داشته اند. بسیاری از شهرهای ایران بنا به دلایل تاریخی و پیش گفته و مدت ها پیش از آن که بحث عقب افتادگی و یا عقب نگهداشته شدن ... باب گردد، شهرهایی چون تهران، تبریز، شیراز و اصفهان از مراکز عمده جمعیتی نیز

بودند و بعدها در اولین تقسیمات کشوری در دوران رضا شاه تحت عنوان مراکز استان توسعه بیشتری پیدا کردند. در حالی که بسیاری از استان‌های توسعه نیافته امروز زیر مجموعه این مناطق محسوب شدند.

عامل دیگر، مرزنشینی و دوری از مرکز می‌باشد. امروزه تقریباً در همه جای دنیا و حتی در کشورهای توسعه یافته دوری از مناطق مرکزی کشور و مرزنشینی مانعی در مسیر دسترسی برابر شهروندان به امکانات و منابع موجود در کشور است. به عبارت دیگر توسعه نیافتگی شهرهای مرزی مختص ایران و یا کشورهای توسعه نیافته نیست. از طرف دیگر دوری از مرکز از ایجاد تعاملات سازنده میان نخبگان بومی و نخبگان مرکزی در جهت رشد و توسعه این مناطق جلوگیری می‌کند. همچنین نیروی انسانی ماهر و متخصص به دلیل سختی شرایط کار و تسهیلات زندگی و کمبود امکانات کمتر حاضر به فعالیت در این مناطق می‌شوند. خصوصاً اگر این مناطق مرزی همجوار با کشورهای بی‌ثبات و بحران‌زده‌ای باشند که از بسیاری معضلات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی نظیر فقر، بیکاری، اعتیاد، قاچاق و مناقشات قومی و مذهبی و ... در رنج‌اند. متأسفانه در ایران مناطق قومی خصوصاً استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و خوزستان، در مجاورت اقوام هم زبان خود در کشورهای عراق و ترکیه، افغانستان و پاکستان، ... زندگی می‌کنند و این کشورها اغلب گرفتار درگیری‌های قومی و فرقه‌ای هستند و متأسفانه در مقاطعی این درگیری‌ها حوزه‌های مرزی ایران را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ثبات بخشی از مناطق بومی کشور را تهدید نموده است. اگر چه ترس از ناامنی و بی‌ثباتی پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری صنعتی و عمرانی دولت در این مناطق را توجیه نمی‌کند اما بی‌تأثیر بر آن نبوده است. امروزه ثبات و امنیت مناطق رابطه مستقیمی با نرخ سرمایه‌گذاری در آن مناطق دارد لذا تشدید فضای نظامی و امنیتی در مناطق قومی کمک به توجه بیشتر دولت به سرمایه‌گذاری در این مناطق نموده است.

متغیر مهم دیگر اقلیم و جغرافیای طبیعی است. آب و هوای خشن و خشک و کم آبی علاوه بر آن که دافع جمعیت است (استان سیستان و بلوچستان کم‌ترین تراکم جمعیت را در کشور داراست) تا حد زیادی نیز گذران زندگی و معیشت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طوری که در ایران استان‌های سیستان و بلوچستان، بخش‌هایی از استان مرکزی و خراسان و حاشیه شرقی و جنوب شرقی کشور از مشکلات عمده‌ای در این زمینه رنج می‌برند و تا حد زیادی هزینه‌های توسعه این مناطق را افزایش داده است. وقوع طوفان‌های شن، وجود زمین‌های شورزار و نامناسب و نیز وقوع سیلاب‌ها در فصول خشک آرامش و امنیت لازم را از ساکنان منطقه گرفته و علیرغم توجه به این مناطق در دهه اول برنامه‌ریزی در کشور هنوز در زمره استان‌های توسعه نیافته کشور باقی مانده‌اند.

متغیر دیگر بالا بودن میزان جمعیت روستایی و عشیره‌ای و نیز شهرنشینی متاخر و شتابان در مناطق توسعه نیافته و قومی است. وضعیت نابسامانی که آمارهای موجود نیز مؤید است. در ایران اولین قطب‌های توسعه شهرهای بزرگ بوده‌اند که از درصد جمعیت شهری بالایی برخوردار بودند. روستاها و مناطق دور افتاده در مراحل بعدی و یکی دو دهه پس از آن به طور جدی در مسیر توجه برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گرفتند. با افزایش امکانات و جمعیت، این مناطق به سرعت شهرنشین شدند. در حالی که تغییر در ارزش‌ها و باورداشت‌ها و الگوهای زندگی و معیشت جمعیت ساکن در این مناطق به همان صورت انجام نشد. شادروان دکتر حسین عظیمی، در تعریف توضیح برداشت خود از مفهوم توسعه آن را «تحول باورهای فرهنگی و ... متناسب با ظرفیت‌های جامعه در جهت رفاه عمومی تلقی» تعریف کرد (عظیمی، ۱۳۷۸: ۵۵) اما هنوز در بسیاری از مناطق محروم کشور هنجارهای تعدد فرزند، صیغه یا متعه، و بی‌توجهی به زنان و دختران و بسیاری از معضلات و مشکلات دیگر مانعی در مسیر توسعه جامعه است. به عنوان مثال در برخی از مناطق استان ایلام هنوز در ادبیات روزانه مردم منظور از واژه فرزند «اولاد ذکور» خانواده است که بیانگر اهمیت جنس مذکر می‌باشد، در عین حال بالا بودن نرخ خودکشی و خودسوزی زنان در این استان از وضعیت نامناسب زنان در این منطقه حکایت دارد. هنوز در بسیاری از مناطق کشور نرخ پوشش تحصیلی دختران پایین‌تر از پسران است حال آن که در کل کشور «هدر دهی امکانات آموزشی» توسط دختران کمتر از پسران است.

در ایران و خصوصاً پس از پیدایش دولت نوین به گونه‌ای که از این بررسی گذرا نیز مستفاد می‌گردد هیچ گاه دولت به عنوان مجموعه‌ای از افراد از یک گروه قومی خاص که سعی در استیلای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی ... بر سایر اقوام ایرانی داشته باشند و یا سایر اقوام را از حقوق طبیعی و انسانی خود محروم ساخته باشند وجود نداشته است. ارزش و اعتبار آن گروه از نخبگان ایرانی از هر قوم و زبانی که در عرصه‌ای درخشیده‌اند و مورد احترام تمامی ایرانیان هستند خود گواه این مدعا است و دلیلی بر نفی شائبه‌هایی چون حکمروایی یک قوم خاص بر دیگر اقوام ایرانی. برداشت نادرستی که با واقعیات تاریخی ایران سازگار نیست.

مسیر توسعه راه دراز و دشواری در پیش رو داشته و دارد. راهی که پیمودن آن نیازمند همت و تلاش و عزم و اعتماد همگانی تمام ایرانیان و اقوام ایرانی است.

- یکی دیگر از موانع عمده تحقق قانون اساسی در حوزه اقتصاد ملی به نظام برنامه ریزی بسیار متمرکز در ایران بر می گردد که دارای ویژگی هایی از جمله موارد زیر است:

- برنامه ریزی متمرکز و بخشی از بالا و پایین است که در مراحل هدف گذاری تدوین استراتژی ، سیاستگذاری ، تأمین منابع ، اجرا و نظارت توسط دولت مرکزی اعمال می شود .
 - فقدان برنامه های فضایی ریز و نقشه های آمایش سرزمین به عنوان راهنمای توزیع فضایی طرح های و پروژه ها که منجر به نادیده گرفتن استعدادها ، تنگناها و محدودیتهای جغرافیایی و انسانی در مناطق قومی جهت تدوین برنامه های عمرانی شده است .
 - توجه به قطب های صنعتی که عمدتاً در شهرهای بزرگ و نواحی مرکزی استقرار یافته اند و تخصیص بخش عمده اعتبارات عمرانی دولت به این مناطق
 - عدم ربط منطقی میان بخش های برنامه ریزی و اجرا
- در نتیجه در این چرخه و ساختار محرومیت زدایی از این مناطق (قومی) نمی تواند به جدیت و سرعت لازم پی گیری شود .

در همین زمینه البته باید تأکید نمود که مسائل پیش روی دولت خصوصاً درگیری های سیاسی و جناحی ، دخالت نهادهای غیر مسئول و غیر پاسخگو در این روند و مشکلات عمده اقتصادی کشور و صرف بخش عمده اعتبارات کشور برای مسائل روزمره مانع از توجه جدی تر به این ناموزونی توسعه ای گردیده است.

نتیجه گیری

مطالعات قومی در ایران دانش جوان و نوپایی است. در کنار این نوپایی برخی تلاش ها برای سیاسی کردن این پدیده موجب حساسیت زایی این دست از مطالعات شده است. کمالینکه در ایران هیچ مرکز یا دیپارتمان دانشگاهی ویژه ای در خصوص مطالعات قومی فعالیت ندارد. هر چند برخی مراکز در کشور های دور و نزدیک متمرکز بر مطالعات قومی بخشی از فعالیت های خود را متوجه اقوام اطرائی کرده اند.

هم اکنون در ایران در خصوص شاخص های تعریف اقوام ایرانی، تعداد این اقوام و مشخصات آنها، پراکندگی و توزیع اقوام، آمار های جمعیت شناختی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن ها و مشترکات فرهنگی و اجتماعی اقوام متعدد در ایران داده های متفن و معتبر چندانی در دسترس نیست. این کاستی پایه ای موجب شده تا امکان تعمیق مطالعات موجود با چالش های متعددی روبرو باشد.

بر این اساس در این بررسی تلاش شد تا از طریق مراجعه به آمار های مربوط به استان ها در پی جبران بخشی از این کاستی ها بر آییم. هر چند این نوع رویکرد خود با محدودیت هایی روبرو است.

از خلال این مطالعه معلوم شد گذشته از کاستی های فوق، در میان یک قوم هم معمولاً تفاوت های فرهنگی و اجتماعی موجب شکل گیری پدیده های متنوع و مختلفی شود. به عنوان نمونه بالاترین و پایین ترین میزان سواد یا طلاق (هر دو) در استان های کردنشین ثبت شده است!

در این مطالعه از نظر شرایط توسعه نیز وضعیت استان ها تفاوت های خاص خود را نشان داد و از این نظر بر پیچیدگی ها افزود. این شرایط موجب میشود که پیشنهاد شود برای فهم پدیده های اجتماعی و فرهنگی گذشته از عاملی به نام قومیت، شرایط خاص هر استان، شهر، روستا و ایل و طایفه ای باید مورد توجه قرار گیرد.

یادداشت

۱ - در فرهنگ های انگلیسی و حتی فرهنگ های انگلیسی- فارسی در برابر معنای ethnic بر مفاهیمی چون غیر کلیمی و غیر عیسوی تأکید شده است. به عنوان نمونه بنگرید به **فرهنگ معاصر** منتشره در سال ۱۳۸۵ انتشارات فرهنگ معاصر

منابع

منابع فارسی

- احمدی ، حمید، ۱۳۷۶ قومیت و قوم گرایی در ایران ، اطلاعات سیاسی- اقتصادی
- احمدی ، حمید، ۱۳۸۰ قومیت و سیاست در ایران ، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ی ۳۱
- احمدی ، حمید، ۱۳۷۸ قومیت و قوم گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت ، تهران : نشرنی
- خوبروی پاک، محمد رضا اقلیت ها ، تهران : نشر شیرازه ۱۳۸۰
- سازمان برنامه و بودجه، گزارش اقتصادی - اجتماعی استان کردستان در سال ۱۳۷۴
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سند برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸
- عظیمی، حسین ۱۳۷۸ ایران امروز در آینه مباحث توسعه، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
- معین، محمد فرهنگ فارسی (جلد اول) . مؤسسه امیر کبیر ۱۳۷۱
- معین، محمد فرهنگ فارسی (جلد دوم) . مؤسسه امیر کبیر ۱۳۷۱
- هوشمند ، محمد احسان و همکاران گزارش هم اندیشی اقوام ایرانی و توسعه. همایش چالش ها و چشم انداز -- توسعه ایران و مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی ۱۳۸۱
- رزم آرا ، حسنعلی ۱۳۳۰ فرهنگ جغرافیایی ایران ، سازمان جغرافیایی ارتش
- هوشمند، احسان ۱۳۸۴، نگاهی دیگر به داده‌های زبانی و مذهبی ایران معاصر فصلنامه گفتگو شماره ۴۳ مهر ۱۳۸۴
- هوشمند احسان و ناهید کوه شکاف ، ۱۳۸۴ درآمدی بر باز اندیشی مفاهیم قوم، قومیت و اقوام ایرانی مجله سیاست داخلی شماره ۳ تابستان ۱۳۸۶ شماره مسلسل ۳
- کوه شکاف، ناهید ۱۳۸۴ جغرافیای توسعه و جغرافیای قومی در برنامه‌های عمرانی دولت معاصر فصلنامه گفتگو شماره ۴۳ مهر ۱۳۸۴ قومیت و مسائل قومی ایران
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، ۱۳۸۵، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ، مرکز آمار ایران ۱۳۸۶، سالنامه اماری کشور ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران
- ون دایک، تئون ای، ۱۳۸۲ میالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی مترجمان پیروز ایزدی، شعبان علی بهرامپور، علی رضا خرمایی، محمد جواد غلامرضا کاشی، تژا میر فخرایی ، انتشارات مرکز میالعات و تحقیقات رسانه ها
- سالنامه اماری استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، گلستان، زنجان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، خوزستان در سال ۱۳۸۵
- حبیب، سلیمان، فرهنگ معاصر ۱۳۸۵ انتشارات فرهنگ معاصر

- منابع انگلیسی

- Connor walker "A nation is a nation , is a state , is an ethnic group is a". Ethnic and Racial studies volume (number 4 october 1978).
- Coakley John "the territorial management of Ethnic conflict ، London 1993.
- Flood Lawrence. G "Ethnic politics and political science :A survery of leading Journal "Ethnicity 7 ، p 96-101(1980)